

مشخصی از رهبران بهائی برای موارد مبتلابه بهائیان موجود نباشد، به تشریح احکام اقدام می‌کند. عبدالبها در این باره می‌نویسد:  
این مجمع، مرجع کلّ امور است و مؤسّس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حلّ گردد.<sup>۱</sup>

اساساً فلسفه‌ی وجودی سازمان تشریح این است که منابع احکام بهائی عبارتند از: آثار به‌الله خصوصاً کتاب اقدس و بعضاً آثار علی محمد باب و این آثار نسبت به بسیاری از مسائل ساکت‌اند و نسبت به وظایف پیروان خویش چیزی بیان ارائه نکرده‌اند.

از سوی دیگر، بهائیت بنا نداشته تا خود را در چارچوب مسائل از پیش پاسخ داده شده، محصور کند لذا با تأسیس بیت العدل، این مهم را به عهده‌ی آن نهاد تا هم مشکل فقدان نص برطرف شود و هم با صدور احکامی مطابق سلیقه‌های دوران معاصر خود، به جذب ساده اندیشان پردازد.

### سازمان تبیین یا مؤسسه‌ی ولایت امر:

این سازمان تفسیر و تبیین عبارات و کلمات رهبران را بر عهده دارد. سازمان تبیین در واقع عالی‌ترین نهاد بهائی است و اهمیت آن در اندیشه‌ی شوقی به حدی است که او درباره‌ی آن می‌گوید:

هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت به‌الله متنزع شود، اساس این نظم متزلزل و الی الابد محروم از اصل توارثی می‌گردد که به فرموده‌ی حضرت عبدالبها در جمیع شرایع الهی برقرار بوده است.<sup>۲</sup>  
عبدالبها حق تفسیر و تبیین عبارات بهاء‌الله را در ابتدا برای خود محفوظ داشته و

۱. عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه‌ی حدود و احکام، مؤسسه‌ی ملی مطبوعات امری، چاپ سوم، ۱۲۸ بدیع، ص ۲۶.

۲. شوقی، ربّانی دور بهائی، ترجمه: لجنه‌ی ملی، ترجمه‌ی نشر آثار امری ایرانی، نشر سوّم، لجنه‌ی ملی نشر آثار امری به زبان‌های فارسی و عربی، لانگنهاین - آلمان غربی، ۱۴۴ بدیع - ۱۹۸۸ میلادی، ص ۷۹.

سپس این حق را به سلسله‌ی اولیای امرالله داده است که نخستین آنان شوقی و پس از او اولاد صُلبی وی هستند. او خطاب به یارانش می‌گوید:

ای یاران مهربان! بعد از مفقودی این مظلوم، باید اغصان و افنان سدره‌ی مبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره‌ی مقدسه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه‌ی رحمانیه به وجود آمده (یعنی شوقی افندی) نمایند. زیرا آیات الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احبا الله است و مبین آیات الله و من بعده بکراً بعد بکر یعنی در سلاله‌ی او و فرع مقدس و ولی امرالله...<sup>۱</sup>

اما با وجود وصیت عبدالبها، شوقی افندی عقیم بود و در سال ۱۳۳۶ ه.ش در حالی که جانشینی را تعیین نکرده بود، رخت به دیار باقی کشید و همین اتفاق، برهانی بر بطلان ادعاهای بها و عبدالبهاست. شش سال بعد از مرگ شوقی، در سال ۱۳۴۲ ه.ش سازمان ایادیان امرالله بی توجه به اهمیت سازمان ولایت امر که به گفته‌ی شوقی:

مقام تفسیر و تبیین آیات و کلمات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء که منحصرأً به ولی امر الله عنایت شده...<sup>۲</sup>

با دعوت از نمایندگان بهائیان سراسر جهان به لندن، نه نفر را به عنوان اعضای بیت العدل انتخاب کرده و در حیفا مستقر کردند. قبل از تشکیل بیت العدل، بهائیان در نقاط مختلفی از جهان به تأسیس محفل کرده بودند که محافل منطقه‌ای به عنوان محافل محلی و محافل کشوری به عنوان محافل ملی نامیده شده بود اولین محفل روحانی رسمی را توسط فردی از ایادیان امرالله در تهران و در سال ۱۸۹۷ م تحت نظر عبدالبهاء تشکیل داد که این محفل وظیفه‌ی محلی و ملی را بر

۱. الواح وصایا، ص ۱۱-۱۶؛ به نقل از: کتاب نظر اجمالی، ص ۶۶-۶۸.

۲. شوقی، ربانی دور بهائی، ترجمه: لجنه‌ی ملی ترجمه‌ی نشر آثار امری ایرانی، چاپ سوم، لجنه‌ی ملی نشر آثار امری به زبان‌های فارسی و عربی، لانگنهاین - آلمان غربی، ۱۴۴ بدیع - ۱۹۸۸ میلادی،

عاهده داشت. پس از انقلاب اسلامی ایران و نفرت عمومی مردم ایران از تشکیلات بهائیت که آنان را مدافعان رژیم سلطنتی می‌دانستند، کلیه فعالیت‌های محفل روحانی بهائیان ایران را غیر قانونی اعلام کرد و پس از آن، جمع جایگزین و عموماً هفت نفره‌ی یاران ایران مسئولیت اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی را بر عهده گرفتند. بد نیست بدانیم که تشکیلات بهائیت ایران قبل از انقلاب مقدس اسلامی، نه در ایران که برابر اعلامیه‌ی مجله اخبار امری، ذیل عنوان مژده‌ی بزرگ، در اسرائیل به رسمیت شناخته شده بود:

محفل روحانی ملی بهائیان ایران، در خاک اسرائیل به رسمیت شناخته شده و شعبه‌ی آن نیز تأسیس و تسجیل گشته و شخصیت حقوقی یافته است و به قسمی که الآن می‌توان به نام محفل ملی ایران رسماً و قانوناً ضیاع و عقار و املاک و مسققات اتباع نمود و هیکل مبارک وعده فرموده‌اند که قریباً اراضی محفظه‌ی آثار بین المللی ارض اقدس به نام شعبه‌ی محفل ملی ایران منتقل خواهد گردید. هیکل مبارک به زائران فرموده‌اند که این موضوع از این جهت بسیار مهم است که برای اولین بار در تاریخ امر، محفلی که در کشور خودش به رسمیت شناخته نشده، شعبه‌ی آن در خارج، رسمی و قانونی شده است....<sup>۱</sup>

کاش شوقی هنگام دادن این مژده‌ی بزرگ، به تمامی انسان‌ها توضیح می‌داد که:

۱. چه پیوندی میان رژیم اشغالگر قدس و بهائیت وجود دارد؟
۲. رژیم اشغالگر قدس چه حقی دارد که محفل ملی بهائیان ایران را در سرزمینی که مال آن نیست، به رسمیت شناسد؟
۳. رژیم اشغالگر قدس با آنکه ناجوانمردانه حقوق مردم مظلوم فلسطین را غصب می‌کند، بر چه اساسی با بهائیان که اهل فلسطین اشغالی نیستند، این گونه مهربانانه رفتار می‌کند؟

۱. مجله‌ی اخبار امری، شماره‌های ۱۰-۱۱ و ۱۲. بهمن - اسفند و فروردین ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳.

## نگاهی به ساختار تشکیلات

### محافل محلی و ملی:

محفل روحانی، هیئت نه نفره‌ی بهائی است که افراد آن در انتخابات بهائی‌ها انتخاب می‌شوند و آنها وظیفه‌ی اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی را بر عهده دارند. چون در این فرقه نهاد روحانیت وجود ندارد، بنابراین وظایف اداری که در مذاهب دیگر به طور سنتی حوزه‌ی مسئولیت روحانیون مربوط است، در بین بهائیان، بر عهده‌ی محفل‌های روحانی است.

محفل‌های روحانی به نظارت بر امور داخلی بهائیان و اداره‌ی امور مالی ایشان می‌پردازند و به عنوان کانال ارتباطی میان نهادهای محلی، ملی و بین‌المللی، عمل می‌کنند. محفل‌های روحانی محلی هم‌چنین اختیارات لازم را به افراد، لجنه‌ها و گروه‌های ویژه برای انجام خدمات محلی، مانند امور آموزشی، انتشارات، ترویج تعلیمات بهائی، مشاوره‌ی ازدواج و جمع‌آوری اعانات، اعطا می‌کنند. به طور خلاصه، محفل‌ها نقش اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی را بر عهده دارند.<sup>۱</sup>

تشکیلات بهائیت مدعی است: تاکنون بیش از بیست هزار محفل محلی و بیش از ۱۸۰ محفل ملی در جهان تشکیل شده است.<sup>۲</sup>

### محفل روحانی محلی:

وظیفه‌ی محفل روحانی محلی سرپرستی همه‌ی فعالیت‌های محلی بهائی‌ها از قبیل تبلیغ بهائیت، رهبری برنامه‌های آموزشی، انجام امور انتشارات و تألیفات، راهنمایی امور فرقه‌ای، استفاده از صندوق تبرعات، بیان نظریات درباره‌ی مورد مقررات و تعلیم بهائی به بهائی‌ها و... می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱. دیانتی ممنوع؛ آزار و تعقیب بهائیان در ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ص ۸.

۲. آموزه‌های نظم نوین جهانی بهائی، ص ۳۰۳، سال انتشار: ۲۰۰۶ میلادی.

۳. ویلیام هاجر و دو گلاس مارتین، دیانت بهائی؛ آئین فراگیر جهانی، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

**محفل روحانی ملی:**

وظایف محافل روحانی ملی نیز مانند محفل روحانی محلی است ولی در سطحی وسیع تر. به علاوه، این محافل بر محافل محلی نیز نظارت دارند.<sup>۱</sup> چنانچه تعداد بهائیان منطقه ی کمتر از نه نفر باشد، آن منطقه قدرت تشکیل محفل محلی را ندارد که در این صورت به آن منطقه، «نقطه ی منفرد» و یا «جمعیت بهائی» می گویند.

شوقی درباره ی اهمیت محافل محلی می نویسد:

این محافل روحانی که در مستقبل ایام به نام اصلی و دائمی خویش یعنی «بیوت عدل» که از طرف شارع این امر اعظم تعیین گردیده، خوانده خواهند شد... .

از جمله وظایف خطیره و حیاتی محافل روحانی اثبات جامعیت و عمومیت امر الله به وسیله ی اشتراک در امور خیریه و ترویج مصالح عمومی هیئت اجتماعی و عدم مداخله در امور منقلب یء احزاب و اجتناب از مخاصمات سیاسی و منازعات مذهبی ی ملل و اقوام است. محفل روحانی برای تمشیت امور جامعه در هر سال لجنه های مخصوص انتخاب و هر یک از خدمات و وظائف امریه را به لجنه ی معین محوّل می نماید. این لجنه ها به منزله ی ایادی و اجنحه ی محفل، محسوب و کلّ در ظلّ محفل روحانی و مسئول آن بوده و تحت نظر مستقیم این هیئت به انجام وظایف مرجوعه قائم می باشند.<sup>۲</sup>

**چگونگی انتخاب اعضای محافل:**

هنگامی که تعداد بهائیان بالای پانزده سال ناحیه ای به نه نفر یا بیشتر رسید، اعضا محفل روحانی محلی در اجتماع سالیانه ای که انجمن شور روحانی محلی بهائیان نام

۱. همان.

۲. شوقی، ربّانی قرن بدیع، ترجمه: نصرالله مودّت، مؤسسه ی معارف بهائی به لسان فارسی، ۱۴۹ بدیع - ۱۹۹۲ میلادی، ص ۶۷۱ و ۶۷۲.

دارد، انتخاب خواهند شد. این انجمن شور روحانی باید در زمان و مکانی که محفل روحانی، محل آن را تعیین می‌کند، تشکیل شود. انجمن مذکور، از بهائیان ساکن در آن محل که به ۲۱ سالگی رسیده باشند، تشکیل می‌شود. اعضاء محفل محلی همانند محافل ملی با رأی اکثریت انجمن شور روحانی و برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند. اشراق خاوری به نقل از شوقی افندی، درباره‌ی شرایط تشکیل محفل روحانی این‌گونه است:

«... در هر بلده و قریه که عدّه‌ی مؤمنین از رجال از سن بیست و یک و مافوق آن، از نه تجاوز نموده، محفلی روحانی در نهایت روحانیت و صفا و حکمت و متانت تأسیس گردد. نساء نیز حسب الامر شوقی ربانی می‌توانند در محافل روحانی محلی و ملی انتخاب شوند.<sup>۱</sup> محفل محلی، هیئتی است مرکب از نه نفر اعضاء منتخب بهائیان آن منطقه که با رأی مستقیم آنان انتخاب می‌شوند. اعضاء محفل ملی همانند محافل ملی با آراء محفل شور روحانی محلی انتخاب می‌شوند. اعضاء منتخب، از میان خود یک رئیس، یک نایب رئیس، یک منشی و یک امین صندوق را انتخاب می‌کنند. سایر اعضاء در صورت نیاز و ضرورت، سمت‌ها و عناوین خاصی انتخاب خواهند شد. این محفل، به عنوان عالی‌ترین سازمان شهری یا روستائی بهائیان عمل و به کلیه‌ی امور شهر یا روستا یا محله‌ی محفل بهائیان رسیدگی می‌کند. هیئت رئیس با رأی مخفی و اکثریت آراء تمام اعضاء محفل انتخاب خواهند شد.

#### صندوق تبرعات بهائی:

از جمله واحدهای اصلی محافل «صندوق‌های تبرعات بهائی» است که برای جمع‌آوری کمک‌ها و تبرعات افراد بهائی تأسیس می‌شود. این صندوق‌ها در پیش‌برد اهداف برنامه‌های تشکیلات نقش قابل توجهی دارند.

۱. گنجینه‌ی حدود و احکام، ص ۵۸-۶۳.

شوقی در این باره می‌نویسد:

«هر بهائی هرچند هم که فقیر باشد، می‌بایست وظیفه‌ی سنگینی که در این رابطه به دوش اوست را درک نماید و مطمئن باشد که ترقی روحانی او به عنوان مؤمنی در عالم امر حضرت بهاءالله فی الواقع به طور گسترده‌ای بستگی دارد به میزان آمادگی که وی از خود در پشتیبانی مادی از مؤسسات روحانی نشان می‌دهد.»

### بیوت تبلیغی:

یکی دیگر از واحدهای محافل محلی، بیوت تبلیغی است. بیت تبلیغ، گروه مطالعاتی کوچکی است که به طور مرتب و در فاصله‌های معین در منازل اشخاص تشکیل می‌شود و دوستان و آشنایان بهائیان به آن دعوت می‌شوند. بنا به امریه‌ی شوقی افندی، بهائیان موظفند به عنوان جزئی از مسئولیت خویش تبلیغ کنند و مؤثرترین طریق برای انجام این وظیفه‌ی مهم این است که فرد بهائی هر نوزده روز یک بار، دوستانش را به منزل خود دعوت نماید و به تدریج به بهائیت رهنمون‌شان گردد.<sup>۱</sup>

شوقی افندی درباره‌ی محافل ملی و محلی می‌نویسد:

باید یادآور شد که در کتاب اقدس، بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی تشریح گشته و در الواح وصایا، محافل روحانی ملی به نام بیت العدل خصوصی تسمیه شده است. و این محفل روحانی ملی را حضرت عبدالبهاء به عنوان حلقه‌ی اتصال و هیئت رابط بین بیوت عدل محلی و بیت العدل عمومی به وجود آورده‌اند. بعلاوه طریق انتخابات بیوت عدل عمومی و خصوصی نیز در الواح وصایا و بعضی دیگر از الواح آن حضرت تبیین گردیده است. هم‌چنین حضرت عبدالبهاء مشروعات صندوق‌های محلی و ملی را که حال از ملحقات محافل روحانی محلی و

۱. مجله‌ی اخبار بهائی، شماره‌ی ۲۹۲، ص ۹ و ۱۰، توقیع شوقی به جمعیت بهائی کی وست فلوریدا، ۳۱ مارچ ۱۹۵۵- میلادی.

ملّی است، مکرراً هم در الواحی خطاب به یاران شرق و نیز در آثار و بیانات سائره تأسیس فرمودند. به علاوه آن حضرت در الواح متعدّدّه‌اش به کمال وضوح و صراحت، مطالبی چند را در باره‌ی تشکیلات بهائی ذکر فرموده است. از قبیل سپردن زمام جامعه به دست امناء منتخبه‌ی محفل، لزوم اطاعت افراد جامعه‌ی بهائی از رأی محفل، قاطع بودن رأی اکثریت و لزوم نظارت بر نشریات بهائی. این مطالب همه در الواح متعدّدی که در اقطار عالم منتشر است، صریحاً مذکور است. پس اگر کسی فقط تعالیم انسانی و اجتماعی آن حضرت را بپذیرد ولی از فرائض مهم‌تر و ممتازتر دیگری که تعیین فرموده چشم‌پوشد و به آنها اعتنائی ننماید، نسبت به منویات مقدّسه‌ی آن حضرت، خیانت ورزیده است.<sup>۱</sup>

### وظایف و اختیارات محافل:

وظایف و اختیارات محافل محلی بر اساس قانون اساسی بیت العدل و آیین‌نامه‌ای که به قانون اساسی محفل روحانی محلی معروف است، تعیین می‌شود. شوقی در این باره می‌نویسد:

محافل مذکوره دارای اختیارات تامّه بوده و به هیچ‌وجه در آراء و تصمیمات‌شان مسؤول ملّت یعنی انتخاب‌کنندگان خود نمی‌باشند بلکه در جمیع احوال به «عدل اعظم» یگانه اساس «صلح اعظم» که کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه در بین بریّه است، ناظر می‌باشند. مسؤولیت پیشرفت و تأمین مصالح عالیّه‌ی جامعه در هر نقطه بعهده‌ی محفل روحانی آن نقطه است که بایستی پیوسته اعضای جامعه را از عملیات و اقدامات خویش مستحضر و آنان را به تقدیم نظریات و پیشنهادات دعوت نماید.<sup>۲</sup>

۱. نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولیّ امرالله، ترجمه و اقتباس: هوشمند فتح

اعظم، نشر دوم، ۱۵۱. بدیع - ۱۹۵۵ میلادی، ص ۱۲.

۲. قرن بدیع، ص ۶۷۰.



بر این اساس، محافل ملی بر جمیع امور بهائیان نظارت داشته، حاکم بلا منازع است و دارای سلطه و اقتدار انحصاری و موضوعاتی نظیر تبلیغ بهائیت، برگزاری جلسات و نظارت بر آنها، انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی، تعیین لجنه های مختلف بهائی، تحقیق درباره ی علاقه مندان ورود به این فرقه، جمع آوری وجوه و نگهداری اماکن بهائی منطقه را به عهده دارد. محفل محلی در سلسله مراتب اداری، باید کاملاً مطیع محفل ملی بوده و هر وقت محفل ملی اراده کند، می تواند در حوزه ی اختیارات محفل محلی خود به کاری اقدام کند و محفل محلی باید تصمیمات محفل ملی را اجرا کند.

به طور کلی، کلیه وظایفی که به عهده ی محفل ملی است، در سطحی نازل تر به عهده ی محفل روحانی است. از عمده وظایف محافل محلی، بررسی نقل و انتقالات بهائیان از یک نقطه به نقطه ای دیگر است که برای کنترل اعضاء بهائی صورت می گیرد.

### هیئت ها و لجنه ها:

یکی از رده های تشکیلاتی وابسته به هر محفل، ملی، محلی، هیئت ها و لجنه هایی است که متناسب با شرایط و زمانی و مکانی تشکیل می شود. شوقی، فهرستی از لجنه های ملی را که در مناطق مختلف تشکیل می شود، چنین نام می برد:

فهرست لجنه های ملی را که قسمت اعظم آنها در دیار و ممالک غربیه مخصوصاً ایالات متحده ی امریکا و کانادا در ظلّ نظم دائم الاتّساع اداری تأسیس گردیده و به نهایت همّت به انجام خدمات و تمشیت امور جامعه مألوفند، ذکر نمودم. از آن جمله است:

لجنه ی تبلیغ: لجنه های تبلیغ ناحیه ای، لجنه ی تبلیغ و اعزام مهاجرین به امریکای مرکزی و جنوبی، لجنه ی طبع و انتشار آثار، لجنه ی وحدت نژاد، لجنه ی جوانان، لجنه ی تصویب تألیفات، لجنه ی حفظ و نگهداری مشرق الاذکار، لجنه ی تنظیم برنامه و احتفالات، لجنه ی راهنمایی،

لجنه‌ی کتابخانه و فروش کتاب (که هر سه مخصوص مشرق‌الاذکار می‌باشند). دیگر، لجنه‌ی خدمت بنین و بنات، لجنه‌ی تربیت اطفال، لجنه‌های ترقی و تبلیغ و پرگرام حضرات امناء الرحمن، لجنه‌ی تسجیل محافل و مشاوره در امور حقوقی، لجنه‌ی آرشیو و تاریخ امر، لجنه‌ی احصائیه، لجنه‌ی نمایش کتب و آثار امریه، لجنه‌ی اخبار امری، لجنه‌ی انتشارات و اعلان در جرائد، لجنه‌ی نشر کتب برای کوران (خط بریل)، لجنه‌ی تهیه و ارسال آثار امریه برای افراد غیر بهائی از نفوس مهمه و صاحبان مقامات علمیّه، لجنه‌ی خدمت، لجنه‌ی نشر آثار امریه، لجنه‌ی تنظیم فهرست آثار و مواضع امریه، لجنه‌ی کتابخانه، لجنه‌ی رادیو، لجنه‌ی محاسبات، لجنه‌ی احتفال سالیانه<sup>۱</sup>، لجنه‌ی جمع‌آوری موادّ برای کتاب عالم بهائی، لجنه‌ی تنظیم موادّ و جزوات در مسائل مختلفه‌ی امریه با ذکر منابع برای تدریس، لجنه‌ی زبان فرعی بین‌المللی، لجنه‌ی ایجاد تربیت بهائی، لجنه‌ی مجله‌ی نظم جهانی، لجنه‌ی معرفی امر و تکمیل روابط عمومی با خارج از عالم بهائی، لجنه‌ی مدارس بهائی، لجنه‌ی مدارس تابتانیه، لجنه‌ی مدرسه‌ی بین‌المللی، لجنه‌ی تهیه‌ی جزوات و رسائل راجع به مواضع امریه، لجنه‌ی گلستان جاوید، لجنه‌ی حظیره‌القدس، لجنه‌ی مشرق‌الاذکار، لجنه‌ی تقویت محافل، لجنه‌ی تاریخ، لجنه‌ی جمع‌آوری موادّ و اطلاعات مختلفه، لجنه‌ی توزیع آثار امریه، لجنه‌ی ترجمه، لجنه‌ی طبقه‌بندی و تنظیم الواح، لجنه‌ی جمع‌آوری و انتشار الواح، لجنه‌ی اصلاح، لجنه‌ی اموال و اماکن، لجنه‌ی تبلیغات، لجنه‌ی اعزام مبلغین، لجنه‌ی تربیت بهائی، لجنه‌ی اماکن متبرکه و لجنه‌ی صندوق پس‌انداز نونهالان.<sup>۲</sup>

این هیئت‌ها که هر کدام با توجه به نیاز تشکیلات بهائیت به وجود آمده‌اند، وظایف و اختیارات مشخص و معلومی دارند. مثلاً لجنه‌ی تدفین یا گلستان جاوید، به کفن و دفن اموات بهائی و لجنه‌ی نسوان به کلیه‌ی امور بانوان بهائی می‌پردازد. این

۱. یادگار ضیافت عبدالبهاء در وست انگل وود، در سال ۱۹۱۲ میلادی.

۲. قرن بدیع، ص ۶۷۶ و ۶۷۷.

لجنه‌ها به عنوان یکی از بازوان اجرایی محافل بهائی به طور گسترده در کشور پراکنده‌اند و از بهائیت در راه آرمان خود پشتیبانی می‌کنند. در واقع، پی‌گیری اهداف و سیاست‌های بیت العدل را در هر محله، شهر و روستائی که ساکنان بهائی دارد، به عهده‌ی محافل محلی است

اعضاء لجنه سه یا پنج نفر است که کار آنها رسیدگی به وظایفی است که محفل روحانی تعیین می‌کند.... این لجنه‌ها مانند بازوان محافل محلی هستند و هر کدام از آنها یک لجنه در سطح ملی دارند. لجنه‌ها از سه بخش ناظم، منشی و امین صندوق تشکیل می‌شود. این ترکیب کاملاً مشابه تشکیلات بیت العدل بوده و کلیه‌ی رده‌های تشکیلاتی بهائیت موظف هستند آن را اجرا کنند در پایان به تعدادی از مهم‌ترین هیئت‌ها و لجنه‌های بهائی فعال در کشور ایران اشاره می‌شود.

#### هیئت صیانت:

هم‌گام با هیئت تبلیغ، هیئت دیگری تحت عنوان هیئت صیانت وجود دارد که در واقع وظیفه‌ی حفظ و مراقبت امرالله را برعهده دارد. به بیان دیگر، این هیئت به مانند سازمان امنیتی بهائیت عمل کرده و تمام بهائیان را تحت کنترل و مراقبت کامل خود خواهد داشت. شوقی در توفیق خود در تاریخ اکتبر ۱۹۵۷ میلادی دو هیئت معاونت با وظایفی متفاوت ولی مکمل هم تأسیس کرد. او در این توفیق، هیئت صیانت را به وظیفه‌ی مراقبت و حفظ امرالله مخصص می‌دارد و می‌گوید که وظیفه‌ی هیئت تبلیغ، من بعد، منحصرأ به پیش‌برد اهداف نقشه‌ی ده ساله مربوط می‌شود.<sup>۱</sup>

وظایف این هیئت بدین شرح است:

۱. نظارت به کارها و عملکرد خانواده‌های بهائی؛
۲. کنترل و جلوگیری از انحراف عناصر بهائی؛
۳. توجیحات حفاظتی و اطلاعاتی بهائیان؛

۱. انوار هدایت، چاپ ۱۹۸۳ میلادی، ص ۴۱۵.

۴. تلاش برای جذب متبیریان از بهائیت؛

۵. اعمال مجازات و تنبیهات و ارائه‌ی پیشنهادها لازم جهت برخورد با متخلفین.<sup>۱</sup>

### هیئت ضیافت ۱۹ روزه:

در منابع بهائی آمده است که:

ضیافت رفتن فقط یک وظیفه‌ی تشکیلاتی نیست بلکه ضیافت را می‌توان قلب جامعه‌ی بهائی محسوب کرد. در برنامه‌ی ضیافت، محفل محلی گزارش فعالیت‌های خود را به جامعه‌ی بهائی داده با حاضرین مشورت و تبادل نظر می‌کند. پیشنهادات ضیافت برای در نظر گرفتن، به محفل فرستاده می‌شوند؛ صلاحیت هر پیشنهاد بسته به رأی محفل است. از آن جایی که جلسات ضیافات، محل بحث و گفتگوی آزاد درباره‌ی جامعه بهائی است، فقط بهائیان حق شرکت در آن را دارند. شرکت در جلسات ضیافات وظیفه‌ی هر بهائی است مگر آنکه مریض یا در سفر باشد.<sup>۲</sup>

رهبران بهائی با تأکید فراوان، از بهائیان خواسته‌اند که برای ایجاد حس هم‌دلی و مودت میان آحاد بهائیان یک منطقه کنند. به برگزاری ضیافات ۱۹ روزه اقدام عبدالبهاء در لوح ابوالقاسم گلستانه می‌گوید:

در خصوص ضیافت در هر شهر بهائی سؤال نموده بودید، مقصود از این ضیافت، الفت و محبت و تبتل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است؛ یعنی به ذکر الهی مشغول شوند و تلاوت آیات و مناجات نمایند و با یکدیگر نهایت محبت و الفت مجری دارند و اگر میان دو نفر از احبّ اغبراری حاصل، هر دو را دعوت نمایند و به اصلاح مابین کوشند. و در لوح میرزا احمد واشنگتن می‌گوید:

از میهمانی‌های هر نوزده روز مرقوم نموده بودید؛ این ضیافت سبب بشارت گردد و مورث مسرت شود و اساس اتحاد و اتفاق است و واسطه‌ی الفت و مؤانست و نشر وحدت عالم انسان.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۴۱۵ - ۴۲۰.

۲. اصول دیانت بهائی، داریوش و گریس شاهرخ، ناشر: ایمجز اینتر نشنال، ص ۴۹.

۳. گنجینه‌ی حدود و احکام، ص ۱۵۹.

## سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالحسنی<sup>۱</sup> با موضوع: بهائیت و استعمار

در این فرصت کوتاه به صورت فشرده مطالبی درباره‌ی وابستگی و پیوند فرقه‌ی  
باییت و بهائیت با کانون‌های استکباری بیان می‌شود.

باییت و بهائیت، یک سناریوی انگلیسی، عثمانی و روسی است، به این کلمات  
دقت شود. بهائیت ریشه در باییت و باییت ریشه در شیخیه دارد. رهبر شیخیه هم در  
درجه‌ی اول، شیخ احمد احسایی است و بعد جانشین او سید محمد کاظم رشتی و  
بعد از سید کاظم این فرقه، شقه شقه می‌شود؛ یک شقه کرمانی‌ها بودند و حاج محمد  
کریم خان کرمانی و یک شقه‌اش در همدان و یک شقه در تبریز بود. از خانواده‌ی  
ثقة الاسلام و مامقانی‌ها هم یک شقه‌اش باییت است که تحول عمده‌ای است.

آن طور که بنده به ذهنم می‌رسید شیخ احمد احسایی یک سری اعتقاداتی دارد  
که سبب می‌شود یک اختلاف و فاصله‌ای بین او و جریان عمومی تشیع ایجاد شود.

به لحاظ سیاسی در درون دستگاه قاجار سه دسته قابل تشخیص‌اند:

۱. عناصر مرتبط با روسیه «روسفیل»؛ مثل علی شاه ظل السلطان.
۲. دسته‌ی دیگر با انگلستان پیوند دارند، یعنی «آندلوفیل» هستند.
۳. یک دسته هم عناصر مستقل هستند بدون وابستگی به روس و انگلیس که قائم

---

۱. از محققان تاریخ معاصر ایران.

مقام فراهانی و امیر کبیر در این دسته‌ی سوم جای دارند.

جناح روسفیل دستگاه قاجار پیوندهای وسیعی با شیخ احمد احسایی دارند. اینکه خود شیخ احمد چه مقدار با روس‌ها رابطه عامدانه داشته، نمی‌دانم نکته‌ای که در زندگی او وجود دارد همین فاصله‌ای است که به لحاظ فکری و اندیشه‌ای، با تفکر عمومی شیعه‌ی وقت ایجاد می‌کند. و همین شکاف و اختلاف، زمینه‌ای برای نفوذ عامل بیگانه و تخم ریزی و بذر پاشی است.

جریان شیخیه با جریان عمومی تشیع به رهبری سید ابراهیم قزوینی، شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر و ملا محمد تقی برغانی شهید ثالث، تعارض دارد و همه‌ی خطر از این زاویه است. بعد شیخ احمد احسایی به نحو عجیب و شک برانگیزی طرد می‌شود و با فشار حکومت عثمانی در عراق، به عنوان یک آدم طرف‌دار سب شیخین، عراق را ترک می‌کند و به مدینه می‌رود و در آن جا وفات می‌کند و جای او کسی می‌نشیند به نام سید کاظم رشتی که این سید کاظم تحت الحمایه‌ی عثمانی است.

در حمله‌ی ژنرال نجیب پاشا در سال ۱۲۵۸ هجری به کربلا هزاران نفر کشته شدند. حدود شش هزار نفر را در حرم حضرت ابوالفضل (ع) کشتند و هیجده نفر را روی ضریح مبارک، گردن زدند. مخصوصاً اگر علمای شیعه را پیدا می‌کردند، تار و مار می‌کردند. در این موقع در دو خانه بسته است؛ یکی خانه‌ی سید کاظم رشتی که هر که پایش به آن جا برسد، در امان است و دیگر خانه‌ی علی شاه ظل السلطان.

حکومت عثمانی در این تاریخ، پیوندهای استواری با انگلستان دارد و وقتی ایلچی انگلیسی به دربار عثمانی پا می‌گذارد به عنوان یک سلطان ابرقدرت وارد می‌شود. حتی در حمله‌ی نجیب پاشا به کربلا متصدی امور ارتش عثمانی یک انگلیسی است و او سردار «استوار کر» معروف است که بعدها در جنگ با ایران به خلیج فارس آمد و بعضی از مناطق جنوب ایران را اشغال کرد. او در این حمله شرکت دارد؛ کسی که آن روز تحت الحمایه‌ی عثمانی است، حتی تحت الحمایه‌ی انگلیس هم هست و متأسفانه عثمانی‌ها با روس‌ها بی‌ارتباط نیستند ولی ارتباط اصلی

آنها با انگلیس هاست.

وقتی این آقای نجیب پاشا به کربلا حمله می کند، حتی حرم حضرت سیدالشهداء(ع) و حرم حضرت ابوالفضل(ع) هم ایمن نیست اما در خانه ی سید کاظم بسته است. پسر سید کاظم رشتی که بعد او را می کشند و فکر می کنم کار روس ها باشد، کسی است که یکی از چهار کرسی ثابت در دربار عثمانی مال او است.

سید کاظم کتابی به نام «شرح القصیده» دارد. این کتاب، شرح قصیده ی لامیه ی یکی از شاعران عارف سنی است در مدح روپوشی که خلیفه ی عثمانی فرستاده برای آرامگاه امام کاظم(ع). آقای سید کاظم رشتی به خواهش ژنرال علیرضا پاشا این قصیده را شرح کرده است این ژنرال در ۱۲۵۳ قمری به خرمشهر ایران حمله می کند و کشتار وحشیانه ای راه می اندازد که روابط ایران و عثمانی به هم می خورد و تا حمله ی ایران به عثمانی هم پیش می رود. آن وقت این آقای سید کاظم رشتی به خواهش ژنرال پاشا کتاب می نویسد و عجیب است که شیخ احمد احسائی به خاطر کتابش و تبری از شیخین، به سمت مدینه می گریزد اما سید کاظم رشتی که ظاهراً به عنوان یک عالم بزرگ شیعه است در کربلا کتاب شرح القصیده را می نویسد و از اول کتاب تا آخر کتاب هر جا صلوات بر پیامبر را ذکر می کند، بدون و آله ذکر می کند. حتی در صفحه ی نه کتاب پنج بار نام پیامبر می آید و او می گوید: صلی الله علیه وسلم. و این مامقانی ها و ثقه الاسلامی های شیخیه ی تبریز اینها را چاپ می کنند و این قدر درک ندارند که چطور یک عالم شیعی به خاطر یک ژنرال ضد شیعه و ضد ایرانی اشغال گر کتاب می نویسد و به خاطر گل روی او «وآله» را نمی آورد. سید کاظم می توانست بگوید روایت خود شما هم. «وآله» دارد و صلوات ابتر صحیح نیست. و لذا بگذارید «وآله» را هم بگوییم.

ایشان می گوید، حضرت ولی عصر(عج) به زودی خواهد آمد و امروز و فردا است که بیاید و یک شوری را در جامعه ی منتظر ایجاد می کند.

آن طور که تنکابنی در «قصص العلماء» می نویسد، در درس سید کاظم همه لعن و طعن علمای وقت بود. اما درباره ی علی محمد باب، تشخیص جدی من این است که

هیچ کدام از این آثار، مال او نیست. اصلاً گروه خون باب به این حرف‌ها نمی‌خورد. شما اگر می‌خواهید باب را بشناسید، بیاید و دقت کنید در مکالمه‌ی باب و علماء می‌بینید که صفر است. می‌گوید: الحمد لله الذی جعل السموات و الارض؛ ناصرالدین شاه دوازده ساله برمی‌گردد و می‌گوید:

و ما بتاء و الف قد جمعاً یکسر فی الکسر و فی النصب معا  
هر چه از او می‌پرسند، بلد نیست. این نمی‌تواند این عبارت و این خطبه‌ی بیان را نوشته باشد؛ این را دیگران نوشته‌اند و من تصورم این است که پاره‌ای از این آثار، مال سید کاظم است.

سید کاظم مسئله‌ی سوره‌ی کوثر را طرح می‌کند و بعد می‌گوید که این جا اسراری است. شاگردانش که بعضاً فاضل هم هستند، می‌گویند اسرار را بفهمائید؛ می‌گوید از دست خودش بگیرید. بعد وقتی ملا حسین؛ پیش علی محمد باب می‌رود و می‌گوید یک چیزی به من نشان بده و من در مورد سوره‌ی کوثر مشکل دارم. او می‌گوید: خوب من یک تفسیر سوره‌ی کوثر می‌نویسم و می‌نویسد. پس سید کاظم زمینه را ایجاد کرد.

عثمانی برای شکستن قدرت تشیع وارد این بازی خطرناک می‌شود. ده‌ها سال بعد می‌فهمد که کلاه سر رفته و بعد که این‌ها از ایران اخراج شدند، نقشه این بود که در عراق قرار بگیرند و خوشبختانه خداوند این توطئه را به دست آشیخ عبدالحسینی تهرانی به هم زد. سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و روس و عثمانی بابت را پایه‌گذاری کردند. شما با توجه به کتاب خاطرات «کینیاز دالگورکی» در بحث‌های استدلالی علیه بهائیت وارد نشوید، چون نیازی به آن نداریم؛ وقتی تاریخ نیل زرنندی و قرن بدیع شوقی افندی رسماً قصه‌ی دالگورکی و حمایت رسمی‌اش از بهاء را می‌گوید و بعد هم لقب «سر» را به عباس افندی می‌دهند، نیازی به خاطرات دالگورکی نیست، اما نمی‌شود به عنوان یک اثر مجهول از آن گذشت. باید محقق بیاید به جای اینکه صورت مسئله را پاک کند، در این باره تحقیق کند و این تحقیق مستند باشد. آن روز می‌شود از این خاطرات به عنوان یک اثر مستقل یاد کرد. من